

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطورکه بوده
و نه آنطوریکه امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(8)

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب یکم : انقلاب و ضد انقلاب

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بخش سوم

4- توطئه لیتوانیایی

در خلال ماه پر ماجرای اوت 1918 ، طرح مخفی متفقین برای دخالت در روسیه برملا گردید . روز دوم اوت ، تروپ های انگلیسی به بهانه " جلوگیری از افتادن تجهیزات جنگی به چنگ آلمانیها " در آرخانگل پیاده شدند و در روزهای اوت مرکز نفت باکو در قفقاز را به تصرف درآوردند . چند روز بعد ، نیروهای تازه انگلیسی و فرانسوی در ولادی وستک پیاده شدند . بدنبال آنها ، در روز 12 اوت ، یک لشکر ژاپنی و سپس در روزهای 15 و 16 چندین هنگ امریکایی که به تازگی از فلیپین منتقل شده بودند ، به خاک روسیه تجاوز نمودند .

بخشهای وسیعی از سیبری قبل از جنگ نیروهای ضد شوروی قرار داشت . در اوکراین ، ژنرال تزاری کرایف ، تحت حمایت آلمان ، نبرد خونینی را بر علیه شوروی برپا کرده بود . در کیف ، هتمان سکورپادسکی ، دست نشانده آلمان ، قتل عام عظیمی از کمونیستها و یهودیان براه انداخته بود .

دشمنان روسیه جدید آماده میشدند تا از شمال ، جنوب ، خاور و باختر بسوی مسکو سرازیر شوند . آن معدودی از نمایندگان متفقین که در مسکو مانده بودند در حال تهیه و تدارک برای خروج بودند ، بدون آنکه دولت شوروی در جریان اینکار آنان باشد . بروس لاکهارت در " مامور انگلیسی " می نویسد :

" وضعیت مافوق تصور بود . بدون آنکه هیچگونه اعلام جنگی صادر شده باشد ، جنگی در گرفته بود که جبهه آن از دوینا تا قفقاز امتداد داشت " ، و اضافه میکند که " من چندین بار با ریلی گفتگو کردم اما وی تصمیم گرفته بود پس از حرکت ما همچنان در مسکو بماند . "

در روز 15 اوت ، روزیکه آمریکایی ها در ولادی وستک پیاده شدند ، فردی مهم به دیدار بروس لاکهارت آمد . بر طبق یادداشت های لاکهارت ، وی در حال صرف نهار در آپارتمان خود ، نزدیک سفارت انگلیس بود که زنگ در بصدای او آمد . خدمتکار بوی خبر داد که دو آقای لیتوانیایی خواستار دیدار او هستند . یکی از آنان جوانی بود کوتاه قد با صورتی تخت بنام سمیدین و دیگری مردی بلند قد و قوی هیکل با سر و وضع مرتب و چشمان سخت حالت که خود را به نام " سرهنگ " برزین ، فرمانده گارد لیتوانیایی کرملین معرفی میکرد .

ملاقات کنندگان نامه ای از کاپیتان کرامی ، وابسته دریایی بریتانیا در پتروگراد ، به لاکهارت نشان دادند . کرامی از مامورینی بود که بطور شدید در توطئه های ضد شوروی دست داشت . لاکهارت در یادداشت هایش اضافه میکند که :

" برای رعایت احتیاط در مقابل دسیسه های عمال تحریک گر ، نامه را بدقت واریسی کردم . بدون هیچ تردیدی ، نامه از خود کرامی بود . "

لاکهارت سپس از دیدارکنندگان علت ملاقات را جویا شد .

سرهنگ برزین که خود را به عنوان فرمانده گارد کرملین معرفی کرده بود ، به اطلاع لاکهارت رسانید که لیتوانیایی ها گرچه از انقلاب بلشویکی حمایت کرده اند لیکن قصد جنگیدن با نیروهای

انگلیسی تحت رهبری ژنرال پول را که اخیرا در آرخانگل پیاده شده اند ، ندارند . آنها حاضرند در مورد شرایط صلح با مامور انگلیسی به مذاکره بنشینند .
لاکهارت قبل از دادن هر گونه پاسخی ، مطلب را با سر کنسول فرانسوی م . گرنار در میان گزارد و این شخص ، طبق نوشته لاکهارت ، به وی توصیه نمود که با سرهنگ برزین مذاکره نماید ولیکن " از هرگونه گذشت از روی مصالح خودی احتراز نماید " . روز بعد لاکهارت کنل برزین را ملاقات کرد و سندی حاوی این پیام مهمی برای ژنرال پول است ، اجازه عبور از خطوط را بدهید . " لاکهارت سپس برزین را در رابطه با ریلی قرار داد ...
دو روز بعد طبق یادداشت های لاکهارت ،
" ریلی گزارش داد که مذاکرات با برزین به آسودگی پیش میرود و لیتوانیایی ها هیچگونه قصد درگیری ، در صورت سقوط بلشویکها ، را ندارند . ریلی نظری را نیز مطرح میکرد دایر براینکه ممکن است ، پس از عزیمت ما ، وی بتواند به کمک لیتوانیایی ها یک ضد انقلاب را در مسکو سامان دهد . "

در اواخر اوت 1918 ، گروه کوچکی از نمایندگان متفقین ، جهت برگزاری یک کنفرانس محرمانه در اتافی در سرکنسولگری امریکا گرد آمدند . آنان سرکنسولگری امریکا را انتخاب کرده بودند چرا که کلیه مراکز دیگر خارجی تحت نظارت شدید مامورین شوروی بود . دولت شوروی علیرغم پیاده شدن نیروهای امریکایی در سیبری هنوز رفتار دوستانه خود را نسبت به ایالات متحده حفظ میکرد . در سرتاسر مسکو پلاکاردهایی حامل چهارده اصل وودرو ویلسون به نمایش گزارده شده بود . در سرمقاله ای در ایزوستیا عنوان شده بود که :

" تنها امریکایی ها هستند که میدانند چگونه رفتار صحیحی با بلشویکها داشته باشند " .
بازمانده های ماموریت ریموند راینز هنوز بصورت تمام و کمال از بین نرفته بود .
ریاست گردهم آیی در سرکنسولگری امریکا با کنسول فرانسوی گرنار بود . انگلیسی ها توسط ریلی و سروان جرج هیل افسر اطلاعاتی انگلیس که برای همکاری با ریلی فرستاده شده بود ، نمایندگی میشدند . تعداد دیگری از مامورین سیاسی و سرویس مخفی متفقین نیز ، شامل روزنامه نگار فرانسوی رنه مرشان خبرنگار فیگاروی پاریس در مسکو ، حضور داشتند .
سیدنی ریلی در خاطراتش عنوان میکند که وی این جلسه را به منظور گزارش دهی در مورد پیشرفت عملیات ضد شوروی خود فرا خوانده بود . وی در آن جلسه به نمایندگان متفقین اطلاع داد که :

" سرهنگ برزین ، فرمانده گارد کرمین را خریده است " . نرخ سرهنگ دو میلیون روبل بود " که پانصد هزار روبل آن قبلا به ارز ، توسط ریلی پیش پرداخت شده بود . باقی این مبلغ می بایستی بصورت لیره استرلینگ به سرهنگ ، پس از آنکه برخی از خدمات را انجام و به پشت خطوط نیروهای انگلیسی در آرخانگل پیوست ، تحویل داده میشد .
در جلسه مزبور ، ریلی اعلام کرد که :

" سازمان ما در موقعیت کنونی ، دارای نیروی عظیمی است . لیتوانیایی ها با ما هستند و مردم نیز در لحظه ورود اولین ضربه با ما همراه خواهند شد ! " .
ریلی سپس به اطلاع حاضران رساند که میتینگ ویژه کمیته مرکزی حزب بلشویک قرار است به تاریخ 28 اوت ، در بالشوی تآتر مسکو برگزار شود . این میتینگ در یک زمان کلیه شخصیت های دولت شوروی را در یک مکان گرد می آورد . نقشه ریلی شجاعانه ولی ساده بود
قرار بر این گذارده شده بود که گاردهای لیتوانیایی ، در جریان انجام وظائف معمول خود ، در کلیه ورودیها و خروجی های تآتر ، به هنگام میتینگ کمیته مرکزی ، مستقر شوند . سرهنگ برزین قرار بود برای این موقعیت ، مردانی را انتخاب کند که " مطلقا به هدف وفادار و خود را وقف آن کرده باشند " . گاردهای برزین در پی یک علامت مخصوص ، درها را بسته و کلیه افراد داخل تآتر را به زیر آتش تفنگ های خود خواهند گرفت . سپس یک " گروه عملیاتی ویژه " مرکب از

خود ریلی و " حلقه داخلی سازمان توطئه وی " بروی صحنه پریده و کمیته مرکزی حزب بلشویک را یکجا دستگیر خواهند کرد!

لنین و سایر رهبران شوروی تیرباران خواهند شد. اما قبل از اعدام، در خیابانهای مسکو در مقابل همگان رژه خواهند رفت " تا همگان از دستگیری ستمگران روسیه آگاه شوند! " رژیم شوروی با محو لنین و همکارانش همچون ساختمانی کاغذی فرو خواهد ریخت.

ریلی در ادامه اظهار داشت که در مسکو " 60 هزار افسر وجود دارند که به محض دادن علامت بسیج خواهند شد " و ارتشی برای وارد آوردن ضربات از داخل، تشکیل خواهند داد و این در حالی است که نیروهای متفقین از خارج حمله خود را آغاز میکنند.

مردی که قرار بود در راس این ارتش مخفی ضد شوروی قرار گیرد " افسر معروف تزاری ژنرال یودنیچ " بود. ارتش دومی نیز تحت رهبری " ژنرال " ساوینکف در شمال روسیه تجمع و " آنچه از بلشویکها باقی مانده را از خرد تا درشت در زیر پاله خواهد کرد ".

این بود نقشه ریلی که حمایت سرویس های اطلاعاتی انگلیس و فرانسه را نیز با خود داشت. انگلیسی ها با ژنرال یودنیچ تماس نزدیک داشتند و در تدارک اسلحه و تجهیزات برای وی بودند. فرانسوی ها نیز از ساوینکف پشتیبانی میکردند.

به نمایندگان متفقین مجتمع در کنسولگری امریکا سپس طرق مختلف همکاری در اجرای نقشه توضیح داده شد. این همکاری ها می توانست بصورت جاسوسی، تبلیغات و تدارک برای انفجار پلهای راه آهن بسیار مهم در حول و حوش مسکو و پتروگراد باشد، تا هرگونه مسیری که از طریق آن دولت شوروی بتواند ارتش سرخ را از سایر نقاط کشور فرا خواند، مسدود گردد. ..

روز کودتای مسلحانه نزدیک میشد. ریلی مرتبا با سرهنگ برزین ملاقات و بدقت روی آخرین جزئیات توطئه کار و برای کلیه پیشامد های غیر منتظره پیشبینی های لازم را تدارک میدید.

هنگامیکه آنان آخرین طرحها را آماده می کردند خبر آورده شد که میتینگ کمیته مرکزی از 28 اوت به 6 ستامبر معوق شده است. ریلی به برزین گفت:

" اهمیتی ندارد، وقت بیشتری خواهم داشت تا آخرین جزئیات را تکمیل نمایم ".

ریلی تصمیم گرفت به پتروگراد رفته و آخرین بازبینی را از دستگاه جاسوسیش در این شهر به عمل آورد.

چند شب بعد، ریلی با برگه عبور جعلی که وی را بعنوان سیدنی گنور گویچ رلینسکی معرفی میکرد، مسکو را با ترن به قصد پتروگراد ترک نمود.

* * * * *

جمبندی از این بخش :

در این بخش هم در مورد اوضاع حاد و بحرانی کشور شورا ها سخن رفته است. کشور شوراها توسط دولت های امپریالیستی در محاصره کامل قرار داشت و همچنین نیروهای ضد انقلاب و عناصر خرابکار در درون جهت سرنگون کردن اولین حکومت سوسیالیستی به اشکال مختلف در حال سازماندهی بودند. امپریالیست ها توسط سازمانهای اطلاعاتی خویش در صدد بودند بهر طریق ممکن از پا گرفتن سوسیالیسم در شوروی جلوگیری کنند. آنان مصممانه از بسیج تمامی عناصر اوباش جامعه کهن تزاری و از حرفه ای ترین جاسوسان هزار چهره- و ... بهره جستند تا بقول خودشان " هیولای " سوسیالیسم که برای نخستین بار بخود جرأت داده بود " تمدن " امپریالیستها را نشانه رود، درهم کوبند.

آموخته این بخش اینکه اولاً: کمونیست های انقلابی و آزادیخواهان واقعی نباید کوچکترین شک و تردیدی در ماهیت جنایتکارانه و غارتگرانه امپریالیست ها داشته باشند و هرگز نباید تحت تأثیر دنیای موهومی و من درآوردی ساخت و پرداخته جریانات ناسالم قرار گیرند. جریاناتی که تحت لوای تنوری های کذائی و ضد انقلابی خویش در صددند چهره خونبار امپریالیستها (بخصوص

آمریکا) را تطهیر گردانند و آنانرا بدروغ حافظان " شالوده جامعه مدنی " قالب کنند . امپریالیستها و بویژه آمریکا بزرگترین دشمنان بشریت- بزرگترین نقض کنندگان حقوق انسانها- بزرگترین عوامل گسترش هرج و مرج و تروریسم در جهانند . تاریخ هرگز نمونه ای بخاطر ندارد که ملتی توانسته باشد توسط امپریالیستها به آزادی و استقلال دست یابد ، بلکه برعکس سرشار از نمونه های منفی است که توده های ملل گوناگون در اثر دخالت گری امپریالیستها به سیاهی و تباهی کشیده شده اند و هنوز بعد از گذشت سالیان سال قادر نگشته اند کمر راست کنند .

ثانیاً : کمونیست های انقلابی و آزادیخواهان واقعی باید بخاطر جلوگیری از نفوذ این جانوران ضد بشری بدرون جنبش های رهائی بخش ، مرزبندی روشن و قاطع با امپریالیسم و صهیونیسم را شرط اساسی و اولیه هر جنبش آزادی بخش قرار دهند . بویژه در شرایط کنونی که جنبش های توده ای در عرصه جهانی فاقد جبهه قدرتمند سوسیالیستی اند . و با توجه به قدرت عظیم ماشین تبلیغات سازی امپریالیستها که این چنین گستاخانه و بیشرمانه اهداف شوم خویش را با اختصاص علنی و رسمی بودجه 85 میلیون دلاری به ضد انقلابیون جهت روی کار آوردن رژیم های دست نشانده اعلام می کنند ، باید هشیاری خود را بمنظور جلوگیری از نفوذ ایادی خوش خط و خال آنان دو چندان نمود . بهترین و موثر ترین دیوار سد کننده طبق تجربه تاریخ ؛ مرزبندی مشخص ، روشن و قاطع علیه امپریالیسم و صهیونیسم (بمثابه دست دراز شده آن در منطقه خاورمیانه) در هر جنبش اجتماعی است . تنها در این صورت است که قادر خواهیم شد سدی نفوذ ناپذیر در مقابل ضد انقلابیون ، جاسوسان و خائنین که قادرند خود را به هزاران چهره آرایش کنند ، ایجاد کنیم .

بهمن ادیب 2006/04/04